

# بیداری

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

شماره ۱۶ - سال سوم بهمن ۱۳۷۳ ایرانی

ژانویه ۲۰۰۶ میلادی ۱۳۸۴ عربی

هیچ گفتاری

از پیشینیان را

باور مدارید

بودا

از سرگرفتن و از نوساختن

عامل بزرگ حفظ تمدن‌ها

در جهان است

دکتر کریشنان رئیس جمهور هند

**روزی خواهد آمد،** که مردم میهن ما، روشنفکران اخته خود را بازخواست نمایند،  
«روزی که کشورتان همچون شعله‌ای مهجور فرومی مرد شما چه می‌کردید» شاعر گواتمالایی

در کشورهای اسلامی هیچ کس ملی نیست، همه عبد و بنده و غلام هستند. هنگامی که سرنوشت ملتی به رای و فتوای یک آخوند بستگی پیدا کند، چه فرقی دارد، رئیس جمهور آن کشور حجت‌الاسلام محمد خاتمی باشد یا دکتر محمد مصدق، دکتر احمدی نژاد باشد یا دکتر معین، کشور پادشاهی باشد یا جمهوری. هر جا اسلام باشد رای ملت «امت» خوانده نمی‌شود. کار نخست سیاسیون و افرادی که تفکر ملی دارند، در ابتدای هر کارشان حذف نیروی واپسگرا و دست و پاگیر اسلام است، بجز این، هر تلاشی کوبیدن آب در هاون است!

دکتر م. مهر آسا

دکتر محمد عاصمی - آلمان

## اسلام و مفهوم آن در پیوند با تروریسم

نزدیک به سه دهه است واژه‌ی تروریسم که در دهه‌های گذشته ویژه کمونیست‌ها و قبائی بود به‌قامت مارکسیست‌های رادیکال، تغییر مسیر و مکان داده و چونان گذشته‌های دور و سده‌های نخست هجری و دوران حسن صباح‌ها، دوباره به‌دست پیروان دین اسلام افتاده و واژه‌ی ترور و تروریسم با صفت اسلامی در جهان نامدار شده است؛ به‌گونه‌ای که هر جای دنیا هراس و کشتاری زُخ می‌دهد مسئولان بی‌هیچ شبهه‌ای به‌دنبال سرنخ اسلام می‌گردند.

تا پیش از پیدایش دوباره اسلام سیاسی در ایران - چون دین اسلام تا میانه‌های قرن هفتم هجری در گستره‌ی یک امپراتوری حکومت می‌کرد و سیاسی بود - هواپیما ربائی، آدم ربائی، گروگانگیری و کُشتار، جزو ویژگی و کارکرد و رفتار گروه و دسته‌هایی مانند گروه «کارلوس» و دیگر لومپن‌های ایدئولوگ و کمونیست‌های کم سواد و عقده‌ای و انقلابی بود. هر هواپیمازبا، در سرانجام کار یا سر از «هاوانای فیدل کاسترو» در می‌آورد و یا در «انتبه ایدی امین»

## فکر، تشخیص و داوری

بودا گفته است، هیچ گفتاری از پیشینیان را باور مدار، آنها کهنه‌اند و در گردش قرن‌ها و نسل‌ها فرسوده شده‌اند. شنیده‌ها و شایعات را که مردمان بازگوی کنند به چیزی مشمار، کردار و گفتار گذشتگان را که دانشمندی در کتابی گرد آورده و به‌عنوان سندی قدیمی به یادگار گذاشته، پذیرا مباش، هیچ چیز را، دقت کن، هیچ چیز را به‌دلیل آنکه مردم یقینش می‌دانند و یا سنت‌های دیرین پیروی از آن را مجاز می‌شمارند ارج مگذار.

حرف‌هایی را که راهبان و زبان‌بازان و معرفت‌تراشان بر خود بندند، به‌دور انداز. تنها و تنها، آن را باور کن که خودت به تجربه آموخته‌ای و با عقل و منطق خود همراه دانسته‌ای و آسایش خود و مردمان را در آن یافته‌ای.

این است آنچه را که حقیقت می‌توان نامید، همان را پذیرا باش چراغ راه زندگی کن.

خداوند به ما چشم و عقل داده است که در باره‌ی آنچه می‌بینیم و می‌شنویم و می‌خوانیم، درست فکر کنیم و درست مانده در صفحه ۳

جزو اوصاف آن حضرت آمده است!

واژه‌های مرتد و ارتداد اگر از اختراعات دین اسلام هم نباشد، در این دین به شدت مورد توجه و بررسی است و مرتد کسی را می‌گویند که در خانواده‌ی مسلمان به دنیا آمده باشد ولی دین اسلام را نپذیرفته و یا بعداً از این دین روی گردانده است. در دین اسلام جزای چنین کسی مرگ است. این را نیز نباید از یاد برد که واتیکان و کلیسای کاتولیک ۱۳ سده چنان وحشت و هراسی را براروپا مستولی کردند که ننگی به پهنای جهان مسیحیت در تاریخ بر جای نهاد. آنجا هم برابر فتوای متولیان دین عیسی، سزای هر دگراندیش اروپائی زنده در آتش سوختن بود. چنان شد که با ریختن خون میلیونها بی‌گناه، آبروی تاریخ و دین مسیح هم بر باد رفت.

متأسفانه مسلمانان قشری در این زمان با برگشت فکری به قرون وسطا، تعصب دینی و هراس ناشی از تعصب را دوباره زنده کرده‌اند و مصرانه برآندند تا همچون محمود غزنوی و تیمور لنگ و حسن صباح و دیگر قشریون در سده‌های گذشته، به جهاد و غزای کافران رو آورند و جهان را از وجود آدم غیر مسلمان پاک کنند. بی‌علت نیست که آخوند جنتی می‌گوید: «در جهان هرکس مسلمان نیست، جزو حیوانات است...»

آیا برخورد ما با افکار و باورهای افرادی با چنین اندیشه و ذهنیت که تمام مردم غیر شیعی را حیوان می‌نامد، چگونه باید باشد؟ چنین کسانی اهل منطق و استدلال نیستند و در سلولی از واپسگرایی و تعصب زندانی‌اند و دنیایشان تاریکی مطلق است. سخن جنتی از ایمان او نشأت می‌گیرد و ایمان او نیز از روی آگاهی به متن قرآن است. او سخن از خود نمی‌گوید و خواسته‌ی دینش را بیان می‌کند. آیا نباید به جای جدل با آخوند جنتی و هزاران مانند او که ذهنیتی قیروگونه دارند، به نفی و نقد آئینی که وی را چنین ستمکار و ضد بشر ساخته است رفت تا سخن جنتی‌ها در دیگران تأثیر نهد؟ جنتی چون اسلام شناس است، این سخن را از ذابویه دید دین اسلام می‌گوید و فلسفه آئینش را نشان داده است. آیا نباید دینی که جنتی را آموزش می‌دهد نقد کرد و در صورت لزوم کنارش گذاشت؟ آری جنتی و جنتی‌ها به ما پروانه می‌دهند تا به نقد ایده‌ای که آنان را چنین هراسناک و خونخوار کرده است برویم. لطفاً نگوئید سخن جنتی آمال دین نیست، آیا شما دکتر و مهندس‌های مسلمان بیشتر از جنتی و مصباح یزدی اسلام شناسید!

هنگامی که با سرسپردگان غیر آخوند از این رذالت‌های امت اسلامی سخن می‌رود، به ما پاسخ می‌دهند که: «این کارها خلاف دین است و این افراد خودسرانه به چنین کارهایی می‌پردازند و...» اما تمام شواهد و دلائل خبر می‌دهد که هیچ یک از این رفتار خودسرانه نیست و ریشه در ایمان دارد و بدون صدور فتوای شیخان و ملایان و آخوندهای دین مبین اسلام صورت نمی‌گیرد. دخالت متولیان دین اسلام در این جنایات نمایان است و عاملان جنایات کارشان بی‌مأخذ نیست بلکه مرشدها و آمرانی دارند و برطبق دستور مراجع دین به این کارها مبادرت می‌کنند. کسی که با آراستن و پیراستن خویش آماده‌ی ترور

دیکتاتور بر زمین می‌نشست. هدفها هم بیشتر آشکار و روشن بودند و کلاً در مبارزه با امپریالیست امریکا و دشمنی با سرمایه داری... خلاصه میشد. اما مدتهاست که این خصلت به باورمندان دین اسلام و مسلمانان سرسپرده و قشری منتقل شده و ترور و تروریسم که سرشت دین بوده است، دوباره به مانند سده‌های گذشته با اسلام همگام و هم پیمان گشته است. شگفتا که این ترورهای اسلامی همواره کور و بی هدف است و خودی‌ها و بی‌گناهان را نشانه می‌گیرد.

این سخن نه یک ادعای بی‌جا است و نه یک تهمت صرف؛ بل واقعیتی چشمگیر و بدیهی است که ظهورش با پیدایش حکومت اسلامی ایران و حمله به سفارت امریکا در تهران آغاز گشت؛ و از زمان گروگان گیری‌ها و کشتارهای لبنان آراسته و پیراسته شد و در درون ایران با کشتن‌های زنجیره‌ای پی‌گرفت و در امریکا با حمله به برجهای بازرگانی نیویورک و پنتاگون به اوج رسید و ادامه‌اش اکنون در عراق و افغانستان و دیگر کشورهای جهان و حتا اروپا نمودار است. در این رابطه کشور فرانسه هم که در بیست و هفت سال اخیر از بزرگترین پشتیبانان تروریسم اسلامی بود و تروریست‌های ایرانی را می‌نواخت و از آن جمله انیس نقاش قاتل را آزاد و روانه‌ی ایران کرد، از این موهبت بی‌بهره نماند و مسلمانان افریقائی ساکن این کشور، سرانجام به جان دولت مکار فرانسه هم افتادند و به این آزاده‌ی حامی تروریسم! درسی در خور آن فریبکاریها دادند. کشورهای اروپائی به ویژه فرانسه و بریتانیا به انگیزه پاسداری از سود خود که در داد و ستد با کشورهای اسلامی گره می‌خورد، با سخاوت و گشاده دستی از این کشتارها حتا زمانی که دامن شهروندانشان را می‌گرفت، چشم پوشی کردند و تروریست‌ها را حریص تر و جری تر ساختند.

در این میان آنچه شایسته‌ی تأمل و بررسی است این است که پدیده‌ی تروریسم اسلامی امروز شهره‌ی گیتی شده و دین اسلام به عنوان آئینی که کشتار بی‌گناهان را روا می‌داند شناخته شده است؛ و بر تمام جهانیان روشن گشته که انگیزه‌ی کردار و جنایات این حامیان دین مبین اسلام ریشه در باور دینی دارد و از بنیادگرایی اسلامی کسب فیض می‌کند و قتل‌ها به فرمان دین به انجام میرسد. وحشتی که اکنون جهان را در بر گرفته، میوه‌ی آموزش‌ها و دستورهای آئینی است که از روز نخست پیدایشش، گام در راه سیاست و حکومت نهاده و آماجش فرمانروائی بوده و بناچار مخالفان را نابود می‌کرده است. بررسی تاریخ‌های معتبر و روند پیشرفت نوشتن قرآن نیز به ما می‌آموزد که دین اسلام از همان ابتدای پیدایش علیرغم آیه‌های نرمخویانه‌ی «مکی» فلسفه‌ی وجودش بر از میان برداشتن مخالفان و دگراندیشان بنیان شده و با هر غیر مسلمانی به دیده‌ی کافر حربی نگریسته و او را سزاوار مرگ خوانده است. به همین دلیل در همان آغاز کار اسلام، سران دین، با هر غیر مسلمانی سر دشمنی داشتند و حتا هیچ سخن مخالف را بر نمی‌تافتند. کشتن تعدادی زیاد از مخالفان به دست علی امام اول شیعیان تنها به خاطر گفتن یک سخن ناروا و یا بر زبان راندن یک متلک، از افتخارات مولای متقیان است که در کتاب‌های شیعی

زورگویان دین پناه با توسل به همین معانی می‌کوشند تا جهان را به اطاعت محض از این ایدئولوژی مجبور و منقاد کنند؛ و ایجاد ترور و هراس نیز به همین منظور است.

تا آنجا که تاریخ به یاد دارد و راهنمایی می‌کند، واقعیت این است که اسلام در هیچ کشور و در هیچ سرزمینی با جاذبه تبلیغ و یا سخن مبلغان و مسیونهای دینی جایگزین نشده و برعکس در هراقلیمی که پا نهاده است تنها با نیروی زور و قلع و قمع و کشتار بومیان خود را بر مردم تحمیل کرده است. هرچه غیر این گفته و تبلیغ شود، دروغی بیش نیست.

اسلام یعنی همین مفهوم و کارکردی که امروز از آن می‌بینیم؛ و اگر ایرانیان می‌خواهند همپای مردم متمدن جهان باشند، باید از آن دوری جویند و خود را از دست آن برهانند.

### مسئولیت بزرگ

هم میهن‌گرامی، فرستادن این ماهنامه برای شما، تنها برای خواندن و بایگانی کردن آن نیست. دریافت این نشریه کوچک وظیفه بزرگی را به عهده شما می‌گذارد که کار خرافه‌زدایی در جامعه به واقع انجام گیرد. پیام‌های «بیداری» باید به دست همگان برسد که اینکار وظیفه اصلی شما در این راه است.

در غیر اینصورت، تلاش‌های ما و مکنونات قلبی شما بی‌نتیجه باقی خواهد ماند.

این کمک شما ارزنده‌تر از کمک‌های مالی شما می‌باشد خواهش می‌کنیم در این راه از هیچ کوششی کوتاهی نفرمایید.

### فکر، تشخیص و داوری

مانده از صفحه‌ی یکم  
تشخیص بدھیم و درست داوری کنیم، و گرنه تا ابد درجا خواهیم زد و منتظر دجال! خواهیم ماند و نشخوار و جویده فکر و قضاوت دیگران را خواهیم خورد و بهمان شکل آن را تحویل دیگران خواهیم داد. و در دوران تسخیر آسمانها و کشف بسیاری از ناشناخته‌ها در صف دراز کوران و گمراهان بر سر چاه جمکران، به انتظار وعده فریبکاران، شیادان و ناکسان خواهیم ایستاد و از جهاتی شرمساری خواهیم برد.

انتحاری می‌شود، بی‌شک توسط افیون دین مغزشوئی و مسخ شده است. به سخنی دیگر، تمام دسته‌های تروریست اسلامی بدون استثنا دارای مشاور و مشاورینی در ردیف حجت‌الاسلام و آیت‌الله هستند و هیچ یک بدون گرفتن فتوا از آخوند و ملا اقدام به ترور و کشتار نمی‌کنند. تمام قتل‌های زنجیره‌ای در ایران به فتوای آیت‌الله مصباح یزدی و تنی چند از دیگر آخوندهای ایران انجام گرفت؛ و شگفتا که این ادعا با اینکه بارها در جراید ایران مطرح گردید و هنوز هم مطرح است، آخوند مصباح یزدی هیچ‌گاه آن را تکذیب نکرد. بن لادن و زرقاوی نیز چندین ملا و مفتی در کنار و کُنام خود دارند که راهنما و راهبر آنها هستند؛ و ما به تکرار تصویرشان را در فیلم‌هایی که از آنان پخش می‌شود دیده‌ایم. این موضوع نشان از آن دارد که اسلام شناسانی که ردای آخوند و ملا و مفتی برتن دارند، این کارها را عین دین و از واجبات آئین می‌دانند و انجامش را توصیه می‌کنند.

اما مؤمنان درس خوانده و اسلام‌باوران و دینداران مسلمان غیر معمم، در توجیه این کردار و رفتار خلاف مدنیت و ضد انسانی، با توسل به مغلظه می‌کوشند این جنایات را رفتاری خودسرانه از سوی شماری متعصب ناآگاه اعلام کرده و کارکرد تروریست‌ها را خلاف دستورهای دین تعریف کنند. شگفتا با وجود این دفاع بی‌مایه و صوری، باز هم حاضر به محکوم کردن همان رذالت‌ها نیستند. زیرا در ضمیر آگاهشان این ترورها در جهت والایی و برتری دین اسلام توجیه می‌شود و باید روا و برحق باشد. من این سخن را از خود نمی‌گویم و برای آن مدرک دارم. در نامه‌ای که یکی از سرسپردگان و حامیان فکل کراواتی دین برای من نوشته است و چون سندی پیش من موجود است، جنایات و آدمکشی‌های «بن لادن» را در زمره‌ی ملی‌گرایی توصیف کرده است.

در همین رابطه، حامیان روشنفکر نمای دین و حتا آخوندهای درون ایران نیز، در مقابله با ایراد مردمان جهان و محافل بین‌المللی از این رذیلت‌ها، معنائی که از کلمه‌ی اسلام می‌کنند، بسیار مسخره‌تر از دفاعیاتشان می‌باشد و می‌گویند که «اسلام» یعنی سُلم و مسالمت و سلامت... و مذبحخانه مقداری از همین گونه‌واژه‌های آرامش‌خواهانه را در وصفش ذکر می‌کنند تا از دینی که تنها زمانی نسج گرفت که دست به شمشیر برد، دفاع کرده باشند. در نتیجه مدعی‌اند: مسلمانان، مسالمت‌جو و صلح‌دوستند و مسلمان واقعی اهل هراس افکنی و کشتار نیست... که دروغی است بیش‌رمانه.

درست برعکس نظر و گفته و دفاع دینداران و مدافعان اسلام، معنای واژه‌ی «اسلام» صلح و صفا نیست؛ بلکه طبق فرهنگ فارسی دکتر معین و همچنین فرهنگ عمید، معنای کلمه اسلام این است: «تسلیم شدن - گردن نهادن - منقاد بودن - فرمان بردن - یله دادن... پذیرفتن دینی به طور عموم...»

بنابر این معنای اسلام یعنی گردن نهادن به زور؛ یعنی فرمانبردن از ستم آئین و دستورهای ستمکارانه؛ یعنی منقاد بودن بدون چون و چرا؛ و در واژه و ذات اسلام مطلقاً مفهوم آرامش وجود ندارد بلکه برعکس، معنای مظلوم شدن و ستم‌پذیری در آن نهفته است. در نتیجه

## «سپاس از احمدی نژاد مسلمان واقعی»

در تاریخ اسلام، احمدی نژاد یکی از راستگوترین و افسوسناک‌ترین و صادق‌ترین مسلمانان است. این جوان مسلمان به دور از فریبکاری، عمامه داران و شیخان ریاکار آنچه را که باور دارد به زبان می‌آورد، همین است که به وضوح می‌بینیم نه سیاست بازی بلد است نه حقه بازی و دروغ‌گویی، آنچه از استاد ازلش آموخته بدون واژه‌های مو به مو اعلام می‌کند و ملاحظه هیچ کسی را در برابر دینش نمی‌کند، صفتی که آن دیگری، پیش از او نداشت و با مردم‌فریبی هشت سال عمر جوانان و مردم را هدر داد. احمدی نژاد نه از تمدن ادیان، نه از دموکراسی و نه از آزادی و رفاه اقتصادی و غیره سخن به میان می‌آورد و یا حتی قولش را می‌دهد، او به امام زمان ته چاه ایمان قلبی دارد و هرآنچه از دستش برآید برای آمدن امام زمانش تلاش خواهد کرد. بیخودی به او تهمت مأمور اسرائیل بودن و مأمور آمریکا بودن و نوکر انگلیس بودن و نوچه رهبر بودن نباید زد او یک مسلمان راستگو و واقعی است که به هرچه می‌گوید باور کامل دارد، او به راستی باور دارد که روزی افسار خردان زمان را کشان کشان به سوی ساختمان ریاست جمهوری خواهد برد. و کشور ویران شده و غرق در ظلم و بی‌عدالتی را تحویل آقا خواهد داد (چه فیلمی خواهد شد اگر فیلمسازان از چنین سناریویی پیشاپیش فیلمی تهیه کنند!)

بهرحال، از مردی که اسلام واقعی را نه تنها به مردم ایران بلکه به جهانیان شناسانده و در حال معرفی بیشتر آنست و کاری را که هیچ کدام از روشنفکران ایرانی طی سده‌ها مبارزه نتوانستند به انجامش برسانند، یک تنه در حال سرانجام دادنش می‌باشد. جز قدردانی و جز پشتیبانی از او در این افشاگری چه باید کرد. چه کسی به خوبی دکتر

احمدی نژاد می‌توانست میکرب افتاده به جان مردم ایران را کشف و معرفی کند. احمدی نژاد هدیه بزرگی برای به تفکر انداختن مردم ایران برای رهایی از اسلام است، فکرش را بکنید اگر به جای احمدی نژاد، آن دیگری که ظاهراً استاد دانشگاه هم بود به ریاست جمهوری انتخاب میشد مانند سلف‌اش خاتمی هشت سال دیگر هم او مردم را سرگرم، امیدوار و از زندگی می‌انداخت. امروز مردم، همه به خوبی میدانند مردی که رئیس جمهورشان شده چه می‌گوید، چه می‌خواهد و چه بر سرشان خواهد آورد، با چنین آگاهی خیره‌کننده همه کار می‌شود کرد، همه جور می‌توان تصمیم گرفت. این دیگر، بستگی به خود ملت دارد، وضع آنسوی دعوا کاملاً روشن است مردم باید وضع اینسوی دعوا را خود روشن کنند. احمدی نژاد راهی برای فریب خوردن مردم باز نکرده است به هرچه می‌گوید عمل خواهد کرد. تصمیم به اطاعت یا سرپیچی با خود مردم است.

فیلسوف منوچهر جمالی

## «مهر» یا «ایمان»

چرا «مهر» در فرهنگ ایرانی هموزن «ایمان» در ادیان ابراهیمی است؟ ایمان به خدای واحد، طبعاً متضاد با کثرت است، در ایمان به خدای واحد همه باید خود را با یک آموزه، با یک اندیشه و با یک حقیقت چنان عینیت بدهند که همه عین همدیگر شوند، در حالی که تفکر ایرانی با پذیرش «دوتاگرایی» اصل کثرت و تنوع را ارائه می‌دهد، از اینجاست که «مهر» پیوند میان اضداد برآفرینندگی» همان ارج را دارد که «ایمان به خدای واحد» در ادیان ابراهیم.

## سخنی با روشنفکران و خوانندگان کلیمی «بیداری»

بازی و مسجد بازی و مرعوب آخوندها شدن کار انسان‌های خردمند نیست. رقابت‌های مذهبی بین ادیان بویژه اسلام و مسیحیت و کلیمی، به مرحله بسیار خطرناکی رسیده و امکان جنگ‌های بزرگ خانمانسوز بوجود آمده است، کلید حل ماجرا بدست روشنفکران راستین هر جامعه است که اسلحه خطرناک و بیرحم مذهب را از کار بیندازند و اختلاف بزرگ ایجاد شده بین مردم جهان را از میان بردارند. همه این کارها بوسیله آگاه کردن مردم در قشرهای گوناگون جامعه امکان پذیر است. بر شما خوانندگان بیداری است که در این نهضت آگاهی رساندن به جامعه شرکت کنید و مانند کارهای سیاسی بی‌تفاوت و بی‌توجه از کنار آن نگذرید. مطمئن باشید دانه‌هایی را که امروز به یاری هم می‌پراکنیم، فردا گل‌های خوشرنگی خواهند شد. هیچ کار میهنی و انسانی بدون هزینه انجام شدنی نیست، هرکس که بیداری را میخواند باید کمک کند که این ندا به گوش دیگران هم برسد تا کار به سامان برسد. این کار را نخست یک وظیفه انسانی و سپس وظیفه ملی برای خود بدانید.

متأسفانه ما کمترین کمک را از روشنفکران هم میهن کلیمی خود دریافت می‌کنیم، بسیاری از آنها بیداری را یا از راه پُست و یا از کتابفروشی‌ها و مراکز ایرانی می‌گیرند و میدانیم که با اشتیاق زیاد هم می‌خوانند، ولی کوچکترین کمکی نمی‌کنند، مسلمانها به ما کمک نمی‌کنند، دستکم شماها کمک کنید که با روشنگری و بالا بردن آگاهی‌های مردم و تضعیف مذاهب جنگجو و آشوبگر و بطور کلی همه مذاهب، زندگی آرامتری را برای فرزندانمان آماده کنیم.

بیداری نخستین رسانه‌ای بود که سخنان در گلو مانده شما روشنفکران کلیمی را که از دست خاخام‌های خود و از دست خرافات دین تان به عذاب آمده بودید با صدای بلند فریاد کرد و بلایی را که فئاتیک‌های کلیمی بر سر جوانان می‌آوردند برملا کرد. سرمایه‌گذاری اندک در راه بیدار کردن جامعه کلیمی، مفیدترین کاریست که شما در زندگی خود می‌توانید انجام بدهید، تنها راه زندگی بی‌دغدغه و بهتر، دوستی بین اقوام و ملت‌هاست، و این دوستی با تقویت مذاهب بدست نمی‌آید، بایستی تلاش کنیم با آگاهی، همه مذاهب را به گوشه قلب فرد فرد انسان‌ها بفرستیم، ادیان تظاهری، ادیان فروشی، کنیسه بازی، کلیسا

## «رنج‌های میرزا»

آغاز نوشتن در مورد میرزا آقاخان کرمانی دشوار و نقطه پایان گذاشتن بر آن آسان نمی‌نماید، انسانی است که درد جامعه را می‌شناسد و آن را حس می‌کند.

سه مکتوبش را با ویرایش بهرام جوینه می‌خوانم، زمانی که به پایانش میرسم، آغاز تولد و تحوّل است که وسوسه فریاد آزادی از قید و بند اسارت سالیانی دور را به جان می‌اندازد. می‌باید با او سفر کرد تا خاکی‌ترین و تاریک‌ترین زوایای تاریخ میهن‌ات را که چراغ برداشته بود تاریخ این زخم چرکین را نشانت دهد به چشم خود ببینی. زخمی که بر پیکر میهنت دویده و خردش را خشکانیده تا خرافاتش فرمانروایی کند، میرزا آقاخان به تاریخ سرزمین‌ات سفر می‌کند و آینه‌یی می‌شود در برابر، تا بهتر بشناسی از دست رفته هایت را و درک کنی یافته‌های کنونی را در این سالهای پُر از حمله و هجوم شمشیر بدستان.

میرزا آزادی این کهنه گورستان و زنده بگورانش را خواستار است. به یادت می‌آورد که چگونه شوکت و سعادت ایرانی زیر دست یک مشت عرب لخت... به تاراج رفته است «مکتوب اول صفحه ۱۲۸»

میرزا رنج می‌کشد و درد آن را با حروف به‌رگ‌های تنت تزریق می‌کند و میداند که اگر زن باشی به حال و روزت فریاد باید زد، اگر جوان باشی، به آینده‌ات باید گریست. دلیرانت را سر بریدند و تو دست مریزاد گرفته‌ای! و چه آسان چشم بسته‌ای به روی مجازات قاتلین روشنفکرانت، آن مبشران فرهنگ و تمدن راستین.

او با ساده‌ترین کلام جرقه‌ای در ذهن روشن می‌کند که چرا ایرانی به این حد و درجه از پستی برسد که ملاها فرمانروایی سرزمین شان را به دست بیاورند.

میرزا، درد زمانه‌اش را برایت می‌نویسد ولی خودش نیست تا ببیند پس از سال‌ها، این شحنه‌های پیر، برجسدهای پاک، رقص قساوت می‌کنند. سنگسار و تیرباران و حلق آویز می‌کنند و سر مست از ریختن خون ایرانیان می‌شوند (مکتوب سوم صفحه ۱۳۴) و من اینک برایش می‌نویسم درد زمانه‌ام را، مکتوب نخستین‌ام رو به پایان است نوشته‌ام آنان که سخنی از دروازه‌های تمدن گفتند به جای مکتوب‌های تو قرآن به چاپ رسانیدند و در کارهایشان به استخاره ملاها دل بستند و به جای چاپ فراوان کتابهای احمد کسروی خروار خروار کثافات حوزه را بخوردمان دادند، و روزگارمان در میان نادانی و ناآگاهی و خرافات رفت و رفت تا به خمینی رسیدیم. تو نیستی میرزای من تا ببینی غیرتمندان و با شرفان این مرز و بوم را چگونه فوج فوج به جوخه‌های اعدام سپردند...

و اما برایش این را نیز خواهم نوشت که امروز نسلی از همان غیرتمندانی که تو آرزویش را داشتی، برای نخستین بار به‌طور دستجمعی کمر همت بسته تا طومار این شجره خبیثه و آدمخواران را درهم پیچیده و منزلتی را که آرزوی تو بود به میهن بازگردانند کار بسیار و بزرگ است، یاران اندک، اما خستگی ناپذیر، آگاه و در یک کلام ایرانی ایرانی - پاینده ایران

## شاخ تیز

روزگاری که نیرو از دهانه توپ بیرون میزد و کشتی جنگی سرود پایان درگیری‌ها را میسرود، دیربست سرآمده و جای خود را به کلان بانکدارانی داده که سر نخ کار دولت‌ها را با جهانی کردن داد و ستد و بازرگانی به دست گرفته‌اند. شیوه نو، دست‌آورد میلیونها کارگر را در سراسر جهان، به چشم برهم زدنی، روی موجهای اینترنت و ماهواره جابجا می‌کند. شتاب در گسترش بده بستان، فراگیر شدن آگاهی‌های پخته و ناپخته را نیز شتابان کرده - دنیا پوستی تازه انداخته و شگفتا مشت خود روشن بین خوانده هم میهن در این دگرشد جهانی، ریشه دارترین انگیزه پسماندگی‌ی کشور و مردمشان را نادیده گرفته‌اند. چپ و راست از سود و زیان گلوبالیسم و سکیولاریسم و سوسیالیسم و دیگر ایدئولوژی‌ها می‌گویند، بی آنکه تیزترین شاخی را که ۱۴ سده پیش به چشمشان فرو رفته بیرون بکشند - تا بهتر بتوانند ببینند با شاخی تیز در چشم، نمی‌توان به درمان دردی پرداخت.

ارزیابی‌ها بر این راستا آبکی شده و کسی را دل به ژرفا رفتن نمانده - تا روزیکه به یک بررسی بنیادین از انگیزه‌های فروریزیمان از بام هستی که فرمود پسماندگی سده‌های درازمان از کاروان دنیا شده، نپردازیم و به نشخوار جویده‌های این و آن بسنده کنیم، همچنان سرگردان خواهیم ماند. شاخ تیز کدامست؟ اندیشه ناپاک نژادپرستی که ره‌آوردش خون و بدنامی بود. هراس‌کشنده‌ای که خردمان را بود و چنان از خود بیخود شدیم که هرگز نتوانستیم چشمی بگشاییم و خیره روز سیاهمان شویم. دیوی که رسوایمان کرد و شب و روز میانمان تولید - آنچنان زورمنده شد و بالا نشست که توده باور وی را دین خواند و آترا بخشی از فرهنگ خویش انگاشت. دسته ناکس بالانشین با ریشی انبوه و دومتر چلوار بر سر، به نان آسان آن رسوایی خو کرد و دشمن را جای دوست و دوست را جای دشمن نشاند تا توده در تهِ گنداب جادو پیوسد و کسی را یارای فریادی نماند.

تخت دادرسی را ناکس از آن خود ساخت تا هیچ کس نتواند از دشمن راستین دادخواهی کند. چرخ آموزش را به دست گرفت تا همه را مانند خود کور و کر و گنگ و گیج و برده دشمن سازد. از پائین‌ترین تا بالاترین رده‌ها میان توده چیره شد. از پگاه چشم به هستی گشودن کودک تا دم‌گور وی، همپای توده جادوزده شد تا کسی در تنهایی خویش نیز نتواند به رهائی از زور اهرمن بیاندیشد. راست را دروغ و دروغ را راست کرد تا کسان برهم بشورند و پدیده پایداری به جایی نرسد. از بابک و روزبهان و پیروز و بهزاد و بهمن و دیگر پهلوانان بسیار شنیده و از آخوندزاده و طالبوف و آقاخان و پیرم خان و زنده یاد کسروی فراوان خوانده‌ایم. ولی کدامشان کار را پایان داده‌اند؟ امروز پیرامون خود چه می‌شنویم و چه می‌بینیم؟ میان زنانمان که سخت‌ترین و سرشکن‌ترین سرکوب‌ها را تاب آورده، چند تن پری دلاور داریم؟ میان هفتاد میلیون زندانی چند تن خواستار آزادی از زندان ۱۴۰۰ ساله‌اند؟ میان میلیونها تن گریخته از آن زندان، چند تن بابک خرم‌دین داریم؟ اگر در کاروان فردای جهان خواهان ایرانی سربلندیم، هریک از زنانمان و هریک از مردانمان باید گام در میدان رستاخیز رهایی بگذارند. راستی چه کسی جز دستان توانای خودمان باید شاخ تیز کهنه را از چشممان بیرون بکشد؟

## دعا

## آن ۷۵ درس یا این ۲۵ درس؟

تنفر جهانی از اسلام، هرگز تا به حد امروز، هیچ گاه نبوده است، ایرانیان فهیم و آگاه، نویسندگان و روزنامه نگاران، ارکان فرهنگی ایران، همه و همه باید از این فرصت گرانبها و نیکوکه ممکن است برای قرن ها از دست برود، سود ببرند و خود را از شر این آیین ستمکار، زورگو، ضد بشر و ضد زن رهایی ببخشند کار آسان تر از آنست که فکر می کنید، گره کار در دست آن ۷۵ درس عوام و ناآگاه و بی سواد نیست، مشکل کار هم آنها نیستند، مشکل در همین ۲۵ درس تحصیل کرده و با سواد است که در خواب غفلت فرو رفته و نمی خواهد از جایش بجنبند، سرش را به کار زندگی خویش فرو کرده و از زندگی اجتماعی به سود مادی و فردی آن قانع و دلخوش است و پوست تنش از آتشی که ایران را میسوزاند احساسی نمی گیرد. اگر تنها یک درس این تحصیل کردگان که بعضاً خود را روشنفکر هم میدانند با یگانگی خواهان بیرون رفتن ایران از جرگه کشورهای مسلمان شوند و اگر تنها ده درس از این طبقه خودشان به آگاهی برسند و دست از پشتیبانی اسلام و یا بی تفاوتی بیرحمانه خود بردارند، ایران خیلی زودتر از آنچه فکر شود روی سعادت و سربلندی خواهد دید و نیازی به انتظار برای نسل های بعد نخواهیم داشت، باور کنید اگر تنها سد نفر از ارکان فرهنگی ایران خواهان ایران بدون اسلام شوند خواهید دید چه اتفاق بزرگی در راه آزادی یک کشور متمدن از یک اخلاق و رفتار و آیین و اسپرگری خشمگینی و متجاوز به شرافت انسانیت رخ خواهد داد. و چه به سرعت ایرانیان دارای کشوری با امنیت و رفاه و راحت خواهند شد. اسلام ایرانیان را ترسو، زبون، دروغگو، ظاهر و باطن دوگانه و از اخلاق و روحیات انسانی و وجدانی دور کرده است مطمئناً، این روند تیره گی تا ابد ادامه نخواهد داشت، ولی مگر این نسل زنده چه عیبی دارد که نمی تواند خود را از دست این بیماری خطرناک رهایی بخشد و به انتظار آیندگان و آینده می خواهد بماند. اینکار باید از طبقه رده بالای فرهنگی به همت همان هشتاد و نود سالگان هرچه زودتر آغاز و از مردم برای همکاری درخواست شود چاره دیگری نیست.

امروز روز ترسیدن از اسلام نیست، اسلام گرفتارتر از آنست که همه ماها را بکشد. و یکاش مرگ انسان در راه رهایی و تعالی مردم و میهن رخ بدهد چه افتخاری بالاتر از آن در زندگی بشر وجود دارد.

## اندک اندک جمع مستان می رسند

با کمال خوشحالی مژده میدهم، دکتر محمد عاصمی، ناشر یکی از وزین ترین ماهنامه های چهل سال گذشته بیرون از کشور، یکی از پیشکسوت ترین روشنفکران و نویسندگان چند دهه گذشته ایران، با قلمی دلنشین، و جذاب از این پس در «بیداری» به آگاهی ملی و انسانی ما خواهند افزود. برای گشایش این پنجره ی رو به شمال زیبای ایران که دکتر محمد عاصمی دست پرورده آن بهشت است، یکی از نوشته های اخیر ایشان را که در روزنامه عصر امروز چاپ شده آوردیم تا از شیرینی کلام و ژرفای احساس و دانایی تراشیده چون الماس او بهره بگیریم و به انتظار مطالب دیگر ایشان باشیم که در همه شماره های بیداری فروزندی آغاز کند.

ناچار می شویم گهگاه موضوعی را تکرار کنیم، یکی دو برنامه ساز خانم در یکی از رادیوها یکی در برنامه صبحگاهی و دیگری در برنامه بعد از آن، روزی نیست که در رسانه عمومی خود از دعا مدد نگیرند، برای هرکسی در هر جایی اتفاقی رخ بدهد این دو بانوی گرامی از مردم می خواهند که دعا کنید، برای زلزله زدگان، سیل زدگان، بیماران، گرفتاران و غیره داروی نخستین پیشنهادی این دو بانو درخواست دعا از سایر هم میهنان است. بانوان گرامی شما ظاهراً بنظر میرسند تحصیلاتی دارید و باید تاکنون دریافته باشید دعا هیچ گونه پایه علمی ندارد و تابحال یک نفر در جهان با دعا شفا نیافته است، با هیچ دعایی جلوی زلزله ها و رخدادهای طبیعی طبیعت را که ما به اشتباه فکر می کنیم خشم طبیعت است امکان جلوگیری نیست گفته های بعضی تحصیل کرده های دانشگاهی هم که می گویند، اثرات دعا را در دانشگاه ها آزمایش کرده و نتیجه مثبت بوده جدی نگیرید، بدون شک گویندگان این دروغ خودشان انسان های مذهبی هستند و گونه ای تبلیغات مذهبی در این ادعا وجود دارد، آنها در پی سودی از ماجرای دعا هستند و الا دعا نه تنها کار مفید و مثبتی نیست که برعکس به دلیل اتکاء بی معنای مردم به دعا، آنها را از اندیشیدن بیشتر برای حل مشکلاتشان باز میدارد، مردم را به یک چیز واهی و بدون پشتوانه امیدوار می کند که در اثر نتیجه نگرفتن بیشتر آزرده خاطر و پژمرده و نا امید می شوند، انسانها بایستی امیدشان را بجای دعا، به علم به تکنولوژی پیشرفته و به انسانهای متبحر در تخصص هایی مانند پزشکی معطوف کنند و با تمام نیرو از آنها بهره بگیرند، نه اینکه با دادن چهارتا بشقاب خورش و برنج نذری، توقع داشته باشند دستی از غیب برون آید و بخاطر این لقمه های چرب و چیلی نیاز آنها را برآورده کند. و نه اینکه با دود کردن چند دانه اسپند به خیالشان چشم حسود و ناپاکی را بی اثر کنند.

خانم های محترم شاغل در رادیو و تلویزیونها، دعا اگر کار ساز بود، خمینی که قلبش درد گرفت دو پزشک متخصص دکتر معصومی و دکتر اسلامی را از آمریکا برایش نمی بردند، دعا اگر کار ساز بود آخوندها یک روز در میان راهی انگلستان و بیمارستانهای آنجا نمی شدند، در رژیم گذشته آخوندها حتا به اسرائیل هم برای رفع بیماری میرفتند، دعا اگر کار ساز بود یکی از اعضای خانواده پیامبر اسلام با سرسالم از این دنیا میرفت، امام زین العابدین بیمار، همیشه بیمار بود، چقدر هم برایش دعا می کردند و خودش هم بدرگاه خدا التماس می کرد ولی خوب نشد که نشد. دعا اگر کار می کرد در بیمارستانها یک دفتر دعا هم درست می کردند تا بیمارانی را که با دارو شفا پیدا نمی کردند از راه دعا درمان کنند. باور به دعا و خواندن دعا یک کار بی معنا و بی اثر است کار عوام، نا آگاهان و بی سوادان است نه روشی که از یک رسانه عمومی برای مردم تجویز شود. ایران در یک برزخ رهایی از خرافات و دین بزور تحمیل شده اسلام دست و پا میزند، با کمی تفکر و اندیشه کمکش کنید که این مرحله سخت و دردناک را هرچه زودتر بگذرانند، کلید سرعت این کار در دستان شما رسانه های گروهی است بویژه در زبان شما بانوان تحصیل کرده که نخست خودتان را از بلای خرافات رهایی بخشید.

## خاصیت زندگی

الیه بقراط  
نویسنده - روزنامه نگار

«از سرگرفتن و از نوساختن» عامل بزرگ حفظ تمدن ها در جهان ما است. هر ملتی که نتواند در دو راهه های مرگ و زندگی، خودش را با نیازهای بنیادی، زمانی و مکانی تطبیق دهد، متوقف می شود. راكد می شود، فاسد می شود و آنگاه میمیرد. ولی اگر در آنجا که تجدید زندگی شرط زنده ماندن است از این توانایی برخوردار باشد که زندگی را از سرگیرد، خواهد توانست به بقای خویش ادامه دهد. این کاری است که ایران شما از چند هزار سال پیش تاکنون همواره با درجات مختلفی از موفقیت انجام داده است. (از سرگرفتن و از نو ساختن و تجدید زندگی از دینی که روز روشن ایران را به شب تار تبدیل کرده است، نیاز بنیادی ایرانیان می باشد.) بیداری

دکتر رادها کریشان، استاد ممتاز دانشگاه آکسفورد  
در تهران ۱۳۴۲

ف - الف - یهودی

## ماه رمضان و روز قدس

یکی از دوستان همکار و مسلمان با تعجب از من می پرسید مگر شما کلیمی ها چه خیر و برکتی از اسلام و پیروانش در جمهوری اسلامی دیده اید که از تلویزیون هاتان تبلیغ آنها را می کنید. مگر شما همیشه شهروندان درجه دوّم و سوّم نبودید، مگر شما برای زنده ماندن جزیه نمی پرداختید، مگر شما را به آتش نمی کشیدند، مگر در روزهای تاسوعا و عاشورا تا چند روز جرات بیرون آمدن از منزل را داشتید، مگر برلباس تر شده شما مسلمانی دست میزد که نجس بودید، مگر در همان روزهای آغاز کار اسلام هفتصد نفر از یهودیان مدینه را در سر بازار گردن نزدند، مگر همین چند روز پیش دومین شخص برجسته جمهوری اسلامی سخن از نابودی کل یهودیان و ایسراییل به میان نیآورد.

پس چرا شما یهودیان ساکت نشسته اید و به آن تلویزیونتان که صاحب کلیمی دارد ولی در تمام روزهای ماه رمضان فیلم هایی در رابطه با اسلام واژان و دعا پخش کرد، اعتراض نمی کنید. این تلویزیون از ماهی تمجید و تکریم می کند که آخرین روز آن به نام روز قدس نامیده شده است و به روز تظاهرات علیه ایسراییل و علیه یهودیان تبدیل گردیده و در آن روز مسلمانان فرصتی می یابند که تا با شعار مرگ برایسراییل تصمیم قاطع خود را برای نابودی فرهنگ قوم ما اعلام کنند. رسانه های یهودی کاسه از آش داغ تر اصلاً توی باغ مسایل نیستند و به سود خود فکر می کنند و بس.

## میتوان تحصیل کرده بود ولی

### به طبقه عوام تعلق داشت

جای بزرگانی مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی و احمد کسروی و علی دشتی خالی که ببینند چگونه ایران را هنوز و همچنان در چاه خرافات فرو می برند و چگونه ایرانیان از عکس امام سیزدهم در ماه به تصویر امام دوازدهم در قعر چاه میرسند. راستی چرا خرافه پرستان ذره ای از موهبت عقل برخوردار نیستند. مسجد جمکران در سال ۷۹ سه سال پس از آغاز ریاست جمهوری خاتمی برای نخستین بار صاحب تولید شد و طرحی برای گسترش آن در دستور کار قرار گرفت از آنجا که تهیه همه مبلغ از سوی دولت ممکن نبود تصمیم گرفته شد از منبع بزرگ خرافه پرستی استفاده شود، به همین منظور ابتدا یک چاه و سپس چاه های بیشتری حفر شد، زائران عریضه های خود را در چاه های جداگانه زنانه و مردانه می اندازند و دویست تومان هم دستی میدهند، جمع این مبلغ به دلیل هجوم حماقت سر به میلیونها تومان می زند.

از من نخواهید به خرافات و حماقت عوام زیر نام «اعتقادات مذهبی» احترام بگذارم و حقه بازی و فریبکاری دکان داران دین را تأیید کنم. این را هم بگویم که عوام الزاماً شامل بیسوادان و لایه های فرو دست اجتماع نمی شود. می توان با سواد، مهندس، دکتر و تحصیل کرده اروپا و آمریکا بود و به طبقه عوام جامعه تعلق داشت، حتا مدعی سکولاریسم، فمینیسم و سوسیالیسم و همه چیزهای مُدرن هم بود ولی همزمان شعوری عامیانه و خرافه پرست داشت، البته می توان بی سواد و تنگدست بود ولی جزو عوام هم نبود، عقل و خرد موهبتی است که از علم و ثروت و عقاید سیاسی حاصل نمی شود بلکه خیلی ساده باید آن را داشت تا نه به ماه چشم دوخت و نه در چاه افتاد، خامنه ای به سید حسن نصرالله رهبر گروه حزب الله گفته است، من در اداره امور کشور بعضی وقت ها که حل مسایل ساده برایم دشوار می شود به دوستان می گویم که آماده شوید به جمکران برویم، راه قم را پیش می گیریم و راهی مسجد جمکران می شویم!!

امام زمان در این چاه یک تنه به رقابت با پزشگان، خلبانان، امدادگران و بانک های کشور برخاسته است، که در دفتر کرامات این مسجد خبر از شفای بیماران از قبیل بیماریهای اعصاب، دیسک کمر، روماتیسم، سرطان بدخیم، سگته مغزی، رفع مشکل شهریه طلاب، نجات سرنشینان هواپیمای مشهد و رفع مشکل نازایی ثبت شده است. راست گفته اند تا احمق در جهان است فریبکار در نمی ماند. ماجرای چاه جمکران نه ایمان، بلکه همکاری شیادی و حماقت است. برای خرافات نیازی به ایمان نیست تنها غیبت کبرای عقل لازم است، آن کسانی که بیست و هفت سال پیش تصویر امام را در ماه و آسمان دیدند، از آن ماه تا این چاه خرافات فاصله ای نیست و از آن ماه جز به این چاه راه دیگری نبود.

## سکولاریته، بستن در همه دوزخ‌ها است

کردند که کسی نباید صورت آنها را بکشد (نقاشی کند). خدایانی که زیبايند مردمان را بدان می‌خوانند تا صورت زیبای آنها را همه جا بکشند. دوزخ دیدن چهره خدایان بیم آور در خیال و فکر و روان است. انسان باید خدای زیبای خود را بشناسد و چهره‌ای را که از غضب زشت می‌شود دور بیندازد.

اگر خدا جمیل است می‌گذارد که همه دیده به جمال او بیندازند. بن شادی، نابود کردن هراس خرد از دوزخ نسیه است.

فرهنگ ایرانی خدایی را که بیم آور باشد و همیشه مردمان را بترساند و حکومتی را که بر پایه بیم دادن و ترساندن استوار شود نفی و طرد می‌کند. آفریدن دوزخ برای کیفر دادن انسانها، برضد اصل قداست جانست. ترساندن از دوزخ هر چند هم دوزخی وجود نداشته باشد آزدن و بیم دادن و ترور است نام (گناه کردن) ترساندن و آزدن جانست ولو آنکه خدا همه گناهان را هم ببخشد.

دو چیز با هم به یک اندازه نمی‌تواند مقدس باشد، یا خواست خدا مقدس است یا جان، اگر جان مقدس بشود، هیچ خدایی حق و قدرت آزدن جان را ندارد ولی ادیان نوری؛ قداست جان را تابع قداست فرمان خدای خود می‌کنند بدینسان اصل قداست جان لغو می‌گردد.

فرهنگ ایران تن به چنین خدعه و تحریف و کلاهبرداری نمیدهد، فرهنگ ایران قداست جان را فوق «خواست و امر خدایان» قرار می‌دهد. من می‌اندیشم پس من خدا هستم، من می‌اندیشم که چگونه می‌توان در گیتی بهشت ساخت پس من خدایم، زیباترین واژه اندیشیدن است.

همان جمشیدی که در دوزخ را برای همیشه قفل می‌کند تا قدرتمندان و خدایان نتوانند هیچ کس را برای عذاب دادن به دوزخ ببرند، و امکان کیفر دادن و عذاب کردن در آن جهان بسته می‌شود عجز این خدایان آشکار و افشا می‌گردد، آنها دیگر نمی‌توانند کسی را بترسانند و به دوزخ بفرستند سراسر قدرت خود را از دست میدهند و به خودی خود نابود می‌شوند، چون آنها تنها با قدرت و ترساندن زنده هستند. وقتی انسان نمی‌ترسد عمل و پاداشش و اندیشیدنش منطقی دیگر می‌یابد. به خوبی دیده می‌شود که در فرهنگ ایران اخلاق و قانون و عدالت اجتماعی و نظام حکومتی از بسیج شدن خرد بنیادی خود انسانها سرچشمه می‌گیرد تا جامعه را سامان بدهند. برای سکولار ساختن جامعه باید در دوزخ را بست، در دوزخ که بسته شد راه چاره‌ای جز فرستادن همه به بهشت نیست و بدینسان گیتی بهشت می‌شود.

تا در دوزخ اله، پدر آسمانی، یهوه و اهورامزدا را نبندیم گیتی بهشت نمی‌شود.

نخستین پیام الله به محمد در قرآن، قم فاندر.....، برخیز و مردمان را بترسان و به وحشت انداز... ولی نخستین خویشکاری (وظیفه) نیروی جمشیدی، «بن همه انسانهای جهان»، در فرهنگ ایران آنست که، برمخیزد و در دوزخ و در همه گونه ترس‌ها و همه ترسانندگان و همه گونه رزمها و خونریزها را می‌بندد.

آنکه می‌ترساند، جان و خرد را می‌آزارد، و از آزدن کام می‌برد، آنکه می‌ترساند ستمکار است، ترساندن، بن همه بیدادگری هاست، ترساندن رسانیدن برترین آزار به جان و خرد است که نزد ایرانیان هردو مقدسند.

رسول‌الله باید با ترسانیدن، مردمان را مطیع الله سازد. و جمشید باید خدایان بیم آور و آموزه‌های وحشت‌زا و جنگ‌خواه و جهاد خواه را از گستره زندگی طرد و تبعید کند. جمشید باید خدایان دوزخ ساز را از جهان براند.

جمشید باید نگذارد که خدایان و پیامبران شان بهشت خود را بر زیر بنای دوزخ بسازند.

دادن دوزخ نقد در این جهان و دادن بهشت نسیه در آن جهان وظیفه خدایانی است که نمی‌توانند بهشت نقد در همین گیتی بسازند.

چرا ایرانیان بن خود را که جمشیدی است فراموش ساخته‌اند.

جمشید با کلید خردی که همه بندهای مشکلات گیتی را می‌گشود، می‌توانست در همه دوزخ‌ها و ترس‌ها و بیم‌آوران را ببندد. این جمشید در ضمیر ماست که به ما می‌گوید، آنگاه که انسان در دوزخ را در قرآن و در انجیل و در هر کتاب دیگری ببندد، آنگاه خواهد توانست بهشت را روی زمین بسازد. جمشید به ما می‌گوید هیچ‌گاه راه رسیدن به بهشت از میان دوزخ نمی‌گذرد. دوزخ آنجایی است که خشم و قهر هر خدایی واقعیت می‌یابد و کوچکترین اندیشه و یادآوری تلخ‌گین و زهرآلود آن زندگی را فلج می‌کند.

فرهنگ ایران، به سراغ خشکاندن سرچشمه‌های بیم و وحشت و هراس می‌رود. دوزخ چهره غضب‌آلود اله و پدر آسمانی و سایر خداوندان است عمل و اندیشه انسان نباید استوار بر ترس از دوزخ باشد، و حکومت‌ها نباید استوار بر ترس مردمان از شکنجه و عذاب و سیاست کردن باشد. فرهنگ ایران برضد سیاست است و می‌خواهد جهان را بیاراید. ما آراینده جهان می‌خواهیم نه سیاستمدار، آراستن (نظم دادن) کشور با زیبایی است و آنچه ترس آور است زشت است.

ایمان به وجود دوزخ را باید از روان‌ها و خرده‌ها ریشه کن ساخت تا خرد و روان آرامش و رامش خود را در همین گیتی بجوید.

یهوه و الله، وقتی چهره زشت و غضبناک خود را در آینه دیدند، امر



## امام زمان در چاه تنها نیست

حجت الاسلام دوانی از کارشناسان مساله‌ی غیبت و ظهور امام زمان! گفته است، هنگامی که امام حسن عسگری در زندان متوکل تشریف داشتند چند سالی بود که در سامره باران نمی‌آمد، متوکل عباسی دستور داد تمام مسلمانان و علما بروند بیرون شهر برای باریدن باران نماز استسقا بخوانند، آنها سه روز رفتند و نماز خواندند اما از باران خبری نشد، متوکل سپس به مسیحیان گفت بروید دعا کنید باران بیاید، مسیحیان و کشیشان رفتند و دعا کردند، ناگهان تکه‌ای پراکنده ابر بهم چسبیدند و رعد و برقی در گرفت و باران سرازیر شد. متوکل با عصبانیت وزیر خود را خواست و به او گفت فوری فکری بکنید مردم از اسلام بر می‌گردند و مسیحی می‌شوند. یکی از مشاوران متوکل گفت بروید امام حسن را بیاورید و از او کمک بگیرید، امام حسن را که آوردند، متوکل گفت یا حسن بداد ما برس که اسلام دارد از بین میرود. امام حسن گفت کشیش‌ها را دوباره بیاورید که دعا بخوانند وقتی کشیش را آوردید و تا خواست دعا بخواند چیزی در دست او پنهان است آن را بگیرید و داخل پارچه بگذارید و بیاورید اینجا. آنها همین کار را کردند، امام حسن گفت آن را باز نکنید چون استخوان بدن پیامبر در آن است، کشیش آن را پیدا کرده و برداشته است، اگر این استخوان از خاک بیرون بماند انقلابی برپا می‌کند آن را دفن کنید و در هیچ جا موضوع را مطرح نکنید. آخوند دوانی از سران جمهوری اسلامی در ادامه این پرت و پلاگویی گفت، حضرت مهدی در آخر زمان متولد می‌شود و در سن ۴۰ تا ۵۰ سالگی قیام می‌کند، بین ۱۱۳ تن همراهان امام زمان به‌هنگام ظهور ۵۰ تن زن دیده خواهند شد. ظهور امام زمان طبق قانون اقتصادی عرضه و تقاضا می‌باشد، او وقتی ظهور می‌کند که به اندازه کافی تقاضا باشد!!

فتحعلی آخوندزاده - ۱۵۰ سال پیش

## پس چرا اسلام مایه سعادت نشد

به تکلیف سعد وقاص اسلام را قبول کردیم تا در هر دو عالم به شادی و شاهی بوده باشیم. از عالم آخرت که هنوز خبری نداریم! ولی از عالم دنیا، آنچه واقع است این است که از هجرت تا این زمان به ایرانیان مصیبت‌هایی رسیده است که در هیچ یک از صفحات دنیا خلق بدانگونه مصائب گرفتار نگردیده است. آیا لشگرکشی و خونریزی عربها را بگویم یا لشگرکشی و خونریزی غزنویان و سلجوقیان و اتابکان و خوارزمشاهیان و چنگیزیان و آل مظفر و تیموریان و غوریان و شیبانیان و چوپانیان و آق قویونلو و قره قویونلو و پادشاهان صفویه و خوانین افغانیه و افشاریه و زندیه و قاجاریه را. تازه این تنها اهل ایران نیستند خود عربها به چه روز رسیدند! حالا در دنیا گمنام تر و بدبخت تر از آنها کمتر طایفه‌ای را می‌توان یافت، پس چرا اسلام مایه سعادت ایشان نشد؟

الحال همه آنها گرسنه و برهنه، بی علم و بی هنر در گوشه‌ای افتاده میمانند هرگاه در حال بت پرستی باقی میمانند یحتمل به روزی رسیده بودند.

ملت ما چرا اینقدر ناتوان باشد که هر دو دمی از گوشه و کنار سر بلند کند و ملت ایران را دچار اینگونه بلیات نماید.

میرزا آقاخان کرمانی ۱۳۰ سال پیش

## توطئه خداوند و پیامبر

ای ایران، ظاهراً خدا و پیغمبر و جبرئیل و تمامی ملائک دست بدست هم دادند و سوگند خوردند که ترا از تخت شوکت و شرافت فرود آورند و برخاک مذلت و فقر و مسکنت بنشانند. الحمدلله.... مشتی عرب بیابانی اجرای فوری این پیمان را برعهده گرفتند. تخت پادشاهی و آبادی مملکت و امنیت و تمدن آن و تربیت و صداقت و شجاعت و کرامت طبیعت ترا بر باد فنا دادند. جوانان ترا اسیر کردند و زنان را دستگیر. پیران و مغان و دبیران و مدیران را مانند گوسفند سر بریدند و بر میدان مذلت هشتند. شهرهایت را خراب کردند و آبادیهایت را بیابان، اموات را به غارت بردند. مختصر، که ترا به آن روز سیاهی نشانیدند که وعده داده بودند، و چنان پریشان کردند که شاید اگر دانشمندان بنی آدم دو هزار سال دامن همت به کمر زنند تا ترا از غرقاب هلاک نجات دهند نتوانند.

## تورات از کجا آمد؟

کتابی بنام The Bible Unearthed نوشته Israel Finkelstein رییس انستیتوی باستان شناسی دانشگاه تل آویو و Neil Asher Silberman استاد آمریکایی و رئیس بخش تاریخ مرکز باستان شناسی و میراث فرهنگی بلژیک که چندی پیش در امریکا انتشار یافته براساس بررسی‌های باستان شناسی پنجاه سال گذشته، می‌نویسد هیچ یک از آنچه در عهد عتیق در باره پیغمبران اسرائیل و ماجرای خروج قوم یهود از مصر و سابقه تاریخی اورشلیم آمده، اصولاً وجود خارجی ندارد و همه آنها ساخته و پرداخته گروه کاهنانی است که در قرن هفتم پیش از میلاد از جانب یوشیا Josias پادشاه وقت سرزمین «یهودا» مأمور تدوین کتابی بمنظور ساختن سابقه‌ای تاریخی و مذهبی برای قوم یهود شدند و آنان بخش‌های مختلف این کتاب را از روی اسطوره‌ها و افسانه‌های کهن بین‌النهرین و مصر و فنیقیه و کنعان گردآوری کردند و در کنار هم گذاشتند و مجموعه‌ای به نام تورات را بوجود آوردند.

## پیام‌هایی به خوانندگان

- کمپانی سرویس دهنده سایت اینترنتی ما ورشکسته شده و غیبت زده است. در تلاش برقراری دوباره سایت هستیم. (بیت شمر)
- برای بسیاری از خوانندگان که بیداری‌های ۱ تا ۱۴ را درخواست کرده و قول پرداختی برای آنها داده بودند، پس از دریافت بیداری‌ها قول را فراموش کرده‌اند!
- اگر خوانندگانی هستند که با دو نام دو نسخه بیداری دریافت می‌کنند برای صرفه جویی در هزینه پست، تلفنی به ما اطلاع بدهند که فقط یک نسخه برایشان بفرستیم.
- فقط با ۳۰ دلار ۱۵ شماره بیداری‌های منتشر شده را در آرشیو خود داشته باشید تا در بحث‌های خانوادگی و دوستانه استناد حرفه‌ایتان کنید و به‌انتشار بیشتر بیداری هم کمک بشود. ۱۵ شماره بیداری را به‌صورت هدیه به دوستان و آشنایان بدهید.
- هنگامی که برای ما پیامی می‌گذارید برای اینکه در پاسخگویی تأخیر نشود شماره تلفن خود را هر بار بگذارید حتی اگر شماره تلفن‌تان را در فایل داشته باشیم.
- خانم یا آقای که به‌نام مشترک چند تمبر و ۲ دلار نقد در جوف پاکت فرستاده و پرسشی هم داشته است هیچ‌گونه نام و نشانی از خود باقی نگذاشته لطف کند تلفنی با ما تماس بگیرد تا پاسخ‌شان را تلفنی بدهیم.
- دوست نازنینی می‌خواهد هر بار بنویسیم - جمهوری اسلامی در کلیه کتابها دست برده است، کتابهای قدیمی خودتان را خوب نگهداری کنید تا نسخه‌های اصلی از بین نرود.
- دوست دیگری بارها سفارش کرده بنویسیم - خوانندگان کم بودجه ما قلکی را در منزل داشته باشند و پول خرده‌های خود را به‌نام بیداری در آن بریزند و آن را به انتشار بیداری کمک کنند، و یا دیگری که برای هر شماره بیداری به تعدادی مانند ۵۰ یا ۱۰۰ نسخه را اسپانسر شوند که بدست بیشتر ایرانیان برسد.
- یکی از خوانندگان بیداری ده جلد کتاب سرزمین عقابها، نوشته پرویز مینویی را برای ما فرستاده که آنها را جلدی ۱۰ دلار بفروشیم و به سود کانون برداریم. سرزمین عقابها رمان جذابی است به‌زبان فارسی، علاقمندان کتابهای رمان به کانون تلفن کنند تا کتاب برایشان فرستاده شود.
- در ماه گذشته برای درستی از خوانندگان قدیمی بیداری که هیچگاه آبونه‌ای نپرداخته و کمکی نکرده بودند، نامه‌ای نوشتیم و از آنها گله کردیم که چرا دست کم هزینه پست بیداری را نمیدهند تا این خدمت، بتواند ادامه پیدا کند، و بناچار از این شماره برای آنها که پاسخی به نامه ما ندادند، بیداری فرستاده نخواهد شد. بزودی بقیه خوانندگانی هم که هرگز در ازاء دریافت نشریه کمکی نکرده‌اند این نامه را دریافت خواهند کرد. نام کسانی که به درخواست ما پاسخ مثبت داده‌اند و کسانی که همواره و برخی‌ها که برای چندمین بار کمک کرده‌اند در زیر می‌آید، بی‌نهایت از آنها سپاسگزاریم. اگر همت این هم میهنان نبود، امیدی به پرواز امواج بیداری هم نبود.

۲۰ دلار	آقای الف - ف لس آنجلس
۵۰ دلار	آقای م - ب سویس
۲۰۰ دلار	آقای ب - ب ویرجینیا
۱۰ دلار	آقای ح - ف وودلند هیلز
۲۰ دلار	آقای ج - سن حوزه
۲۰ دلار	دکتر م - م لاگونا
۱۵ دلار	آقای ف - ک
۲۵ دلار	خانم م - و لوس گاتوس
۵۰ دلار	آقای م - س میامی
۳۰ دلار	آقای س - ک سانفرانسیسکو
۲۰ دلار	آقای ع - ش مریلند
۲۵ دلار	خانم الف - الف لس آنجلس
۵۰ دلار	دکتر م - الف اوکلند
۲۰ دلار	آقای الف - پ تارزانا
۴۰ دلار	آقای ع - ش ویرجینیا
۴۰ دلار	آقای ر - ج وودلند هیلز
۵۰ دلار	سرهنگ کاظم مریدی
۲۵ دلار	آقای د - ط نیویورک
۵۰ دلار	دکتر س - م ایندیانا
۵۰ دلار	آقای ش - ج فلوریدا
۵۰ دلار	آقای ر - الف لوس آنجلس
۶۰ دلار	دکتر الف - پ کانادا
۱۰۰ دلار	سرهنگ آریاسالار لوس آنجلس
۲۰ دلار	آقای م - س هانتیکتون
۵۰ دلار	آقای م - ف کانادا
۵۰ دلار	دکتر م - م لاهابرا
۲۰ دلار	آقای ح - ق سویس
۲۰ دلار	دکتر الف - س انیسینو
۱۰۰ دلار	آقای ق - ط لس آنجلس
۲۰۰ دلار	آقای م - ز سن دیاگو
۲۰ دلار	آقای الف - ع لس آنجلس
۳۰ دلار	خانم ن - خ کانادا
۲۰ دلار	آقای پ - ب ساتامونیکا
۱۰۰ دلار	آقای م - ب لاهابرا
۲۵ دلار	آقای الف - ف بورلی هیلز
۱۰۰ دلار	آقایان ن - ح و ع - غ از ویرجینیا
۵۰ دلار	آقای م - پ پالاس وردس
۲۰ دلار	ناشناس لس آنجلس
۱۰۰ دلار	دکترهما دارابی
۲۰ دلار	آقای م - م نیویورک
۳۰۰ دلار	آقای ف اروپا
۲۰۰ دلار	آقای م - ش نیوپورت
۵۰ دلار	دکتر کاوه
۲۰۰ دلار	دکتر ه الف نیویورک
۲ دلار	بدون نام، تعدادی تمبر
۱۰۰ دلار	دکتر الف - ج

## یادآوری بار چندم

### واعظ غیر متعظ

#### از مجله گلچین - تکراس

در روز دوازدهم آگوست سال ۲۰۰۵ مقامات کلیسای سنت پاتریک در محل مانهاتان نیویورک گزارشی دادند که یک کشیش عالی مقام به دلیل برقراری رابطه نامشروع با یک زن شوهردار ناگزیر به استعفاء از مقام خود گردیده است.

نخستین شخصی که پرده از این ماجرا برداشت آقای فیلیپ دوفیلیپو همسر زنی بود که با کشیش عالی مقام روابط جنسی برقرار کرده بود و از دادگاه تقاضای صدور حکم جدایی از زنتش را نمود. «فیلیپ دوفیلیپو» با استخدام یک کارآگاه خصوصی از ارتباط همسر زیبای چهل و شش ساله خود با کشیش «اوجینی کلارک» هفتاد و نه ساله آگاه شد. کارآگاه خصوصی موفق شده یک نوار ویدئو از «لورا» و «اوجینی کلارک» در هتل «لانگ آیلند» تهیه نماید. «اوجینی کلارک» از جمله مقامات عالیتر به اسقف های نیویورک می باشد که در سال ۲۰۰۱ به مقام عالی جنابی یا کشیش اعظم کلیسای بزرگ «سنت پاتریک» دست یافته و در غیاب کاردینال اعظم عنوان جانشینی او را داشته است. این واعظ غیرمتعظ به داشتن خیل عظیمی از طرفداران موعظه هایش در نصیحت های پدرانه و احترام به ارزش خانوادگی و اخلاقی و وفاداری در روابط زناشویی شهرت دارد و از سرزنش کنندگان روابط جنسی رسوا برانگیز در کلیساها بوده است!

۱- عزاداری برای کشته شدگان اعراب در ۱۴۰۰ سال پیش کار رسانه های ایرانی نیست، برپایی جشن و سرور برای عید غدیر و عید قربان و زایش اعراب ۱۴۰۰ سال پیش که به زور شمشیر ایرانیان را مسلمان کردند کاری است ناپسند و ضد ایرانی اگر از دستگاه های رسانه های عمومی که شنوندگانی بجز مسلمین دارند پخش شود و البته حق دارند کسانی که با ناآگاهی خود از تاریخ هنوز عاشقان این درگاه هستند در منازل و مساجد خود هرچقدر که می خواهند بر سر و سینه خود بکوبند و یا سر و سینه خود را بشادی بجنبانند و کسی را مدعی آنان نیست. سخن ما فقط با «رسانه های عمومی فارسی زبان است» که بایستی سرمشق میهن دوستی برای ایرانیان باشند.

۲- از ناشرین تقویم های ایرانی صمیمانه می خواهیم، تقویم های ایرانی را فقط از رُخدادهای تاریخی ایران رقم بزنند و به رخدادهای بیگانه بویژه دشمنان شناخته شده ایرانیان کاری نداشته باشند. هیچ بهانه ای و هیچ دلیلی برای آگاه کردن من ایرانی از تولد امام زمان و یا قتل امام علی در تقویم های ایرانی پذیرفته نیست. برای آگاه شدن به اینگونه مسایل تقویم های عربی و مذهبی می تواند پاسخگوی خواستارانش باشد. صرف اینکه چون در رژیم گذشته (که قبولش نداشته و ندارید) آوردن این روزها در تقویم مصوبه قانونی بوده، حال که از آن رژیم هیچ اثر و نشانه ای باقی نمانده، این ادعا هم در پرونده مختومه آن رژیم بایستی به بایگانی برود. در سال آینده ایرانی در صورت لزوم این موضوع را دقیق تر باز خواهیم کرد تا روزی که عزیزان ناشر سالنامه ها تقویم های ایرانی را به راستی ایرانی کنند.

### کتاب «سخنانی برای اندیشیدن»

تألیف دکتر احمد ایرانی که مجموعه‌ی چهار دفتر است در یک جلد منتشر شد. در این کتاب بیش از ۲۰۰۰ گفته از اندیشمندان جهان چاپ شده است.

علاقه مندان می توانند آن را از کتاب فروشی های «وست وو» یا «ولی» در لس آنجلس تهیه کنند.

شماره تلفن کتابفروشی های لس آنجلس را از دو مرکز اطلاعات: 9-08-08-08 (818) و 50-50-100 (818) می توانید به دست بیاورید.

یادآوری بار چندم. از ناشرین تقویم های ایرانی

خواهش می کنیم تقویم های ایرانی را از رُخدادهای تاریخی ایران رقم بزنند و به رُخدادهای اعراب کاری نداشته باشند.

## اسلام دین مردانه

مردها اسلام را دوست دارند، باید هم دوست بدانند، اسلام دین رشوه دادن به مردهاست. دینی که به مردها اجازه می دهد چهار زن عقدی و بی نهایت زن صیغه ای بگیرند یعنی با داشتن چهار همسر هنوز می توانند دوست دختر هم داشته باشند، این دین چرا باید مورد علاقه مردهای مسلمان نباشد. اسلام دین توهین به بانوان است، آن ها را ناقص العقل می خواند، شهادتشان را مانند یک مرد قبول ندارد، ارثیه مساوی به او نمی دهد، در مواقع ویژه، خدا به مرد این نوبر خلقت اجازه داده که زنتش را کتک هم بزند، از همه جهت خداوند عالم هوای مرد را در این دین آخری اش که دین بدبختی آور برای تمام کره زمین شده است داده معلوم نیست بانوی ایرانی تاکی می خواهد زیر بار این توهین و تحقیر کمر خم کند و صدایش در نیاید و دوش بدوش زن مالزیایی و سودانی و عربستانی تابع و کنیز اسلام باشد، نخستین کار زنان ایران بیش از هر چیز و ضروری ترین اقدام آنها قبل از هر کار - مردود شمردن اسلام و رد این دین زن ستیز باید باشد.

**THERE ARE CRACKS IN THE DAM**

Last week six extraordinary marriages took place among Iranian Muslims in southern California.

There was no clergy (Mullah) present. In the place of the MEHRIYEH (traditionally a koran and a promissory note for some money-the price of the woman;s virginity) was a copy of the Shahname-an Iranian epichistory of Kings in poetry by Ferdowsi. There was not a koran to be found. A layman Presided over the ceremony, and the couples recited their vows. Most unusual for an Iranian wedding. There was no fear of reprimand. These brave souls ventured outside the firm grip of Islamic law. We need move of these cracks to help demolish this dam. We wish them all the best life has to offer.

شماره حساب پرداخت آبنونه و کمک در بانک، آو،  
امریکا شعبه مک آرتور - شهر ارواین 04777-24390

Presorted std  
US Postage  
Paid  
Irvine, CA  
Permit # 296

**بیداری**  
نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

بهای بیداری بستگی به توانایی مالی و علاقه شما  
به این کار دارد

**پدری که دستور قتل فرزندش را میدهد**

خداوند اسلام جابجای قرآن دستور قتل مخلوق یعنی فرزندان خود را میدهد!

این چند آیه نمونه‌ای از دستور کشتار انسان ها در قرآن کریم و قرآن مجید است که بد نیست آنها را برای زمان نیاز در جایی یادداشت کنید. سوره حج آیه های ۴۵ و ۴۸ سوره بقره آیه های ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۵۱، ۲۵۳. سوره نساء آیه های ۷۴ و ۷۵ و ۸۹ و ۹۱. سوره مائده، آیه ۳۳. سوره انفال آیه های ۳۹ و ۱۲. سوره فرقان آیه های ۳۷ و ۳۸. سوره شعرا آیه ۶۶ این ها سوای آیه های تهدید آمیزی است که دمبدم و جابجا بر مخلوق خود آورده است.

C.C.E.S  
بیداری  
P.O.BOX 22777  
San Diego CA 92192  
U.S.A  
Tel & Fax 858-320-0013  
www.bidari.org  
bidari2@hotmail.com